

فرخنده باد چهل و پنجمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت:

چهل و پنجمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران

چراغ زرینی که در دهم مهر ماه سال ۱۳۲۰ در پهنشدت میهن استبداد زده، مافروزان شد، زایش خجسته، حزب توده ایران را در خانوار بزرگ و نهجران ایران به توده‌های زحمتکش بشارت داد.

حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، که اکنون وارد چهل و ششمین سالگرد حیات و افتخار خود شده است، خون سرخ حیدر عمو اوغلی و درونمایه معنویت غرور انگیز ارانی در رکابش جاری است. حزب ما با پرافراشتن پرچم طفرنون مارکسیسم - لنینیسم، طلبه‌دار سزاوار نهضت کمونیستی و کارگری در تاریخ معاصر ایران و ادامه دهنده بی‌تزلزل سنن انقلابی سوسیال دموکراسی و حزب کمونیست ایران است.

حزب توده ایران، فعالیتش در جنبش و دوران ساز خود را در شرایط بسیار حاد و بغرنج شعله‌ور بودن آتش جنگ دوم جهانی آغاز کرد. در این دوره حزب وظیفه داشت، از یک سو، مبارزه با فاشیسم هیتلری را، که در اندیشه بخش مهمی از روشنفکران ریشه دوانیده بود، سازمان دهد و از سوی دیگر، توده‌های خلق را علیه خودسری ارتجاع داخلی و نفوذ استعمار کهنه و نوبسپج کند.

ایفای موفقیت آمیز این وظیفه، تلخ‌ترین تاریخ در نخستین گامهای پیدایش، عمل از جمله چهره‌های مبارز و کاروان حزب مادر تطبیق اصول عام مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط خاص میهن ماست.



شماره ۱۲۲ دوره هشتم
سال سوم پنجشنبه ۱۳۸۷/۱۰
بها ۲۰ ریال

براه توده‌ها رفتن، براه توده‌ها مردن

حزب برادر به حزب توده ایران شادباش می‌گویند:

به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران شادباشهای سرشاری از جانب احزاب برادر به حزب توده ایران می‌گویند. حزب برادر به حزب توده ایران شادباش می‌گوید و زندانی توده‌های ایران همبستگی می‌شود. ما با این شماره انتشار برخی از شادباشها را آغاز می‌کنیم.

تمام حزب سوسیالیست متحد برلین فریاد می‌زند: **حزب توده ایران قهرمانان ما را**

رفقای ارجمند،

بمناسبت چهل و پنجمین سالگرد پایه‌گذاری حزب توده ایران، شادباش‌های قلبی و درودهای همبستگی آمیز و رزمجوشانه همبری حزب سوسیالیست متحد برلین غربی را تقدیم می‌داریم.

ما با علاقه فراوان و همدردی عمیق بیکار قهرمانانه و جانبازانه حزب شما را در شرایط غیر قانونی علیه رژیم ارتجاعی خمینی دنبال می‌کنیم. فروپاشی اقتصادی زلزلنده جنگ و استبداد قرون وسطائی زندگی زحمتکش را به تباهی کشانده است و جنگ فرسایشی آینده‌ای بی‌سود اندر زاری می‌دهد.

این سالگرد زمانی برگزار می‌شود، که همپایه با ایالات متحده بشریت را به جنگ هسته‌ای تهدید می‌کند.

اکنون، از یکسوی ملت ریکان جنگ تسلیحاتی و تبلیغاتی را به اوج خود رسانده و از سوی دیگر کشورهای سوسیالیستی، و پیش از همه اتحاد شوروی، جنبش بین‌المللی کمونیستی و

کارگری و نیروهای صلح دوست همه کوشش خود را در راه نگهداشت صلح جهانی بکار می‌برند. ما مشتاق داریم که حزب شما در تقویت مبارزه طبقه کارگر ایران و بیکار برای صلح و پیشرفت اجتماعی بخش‌سزا بازی می‌کند. به عمل اطمینان می‌دهیم که حزب ما، "حزب سوسیالیست متحد برلین غربی" از هیچ کوششی برای پیشبرد صلح جهانی و رفاه مردم شما، برای قاره اروپا و همه بشریت چاره‌ای جز تنش زدن و همکاری صلح‌جویانه باقی نیست.

سود خلق ما است که دوش بدوش یکدیگر در راه توسعه صلح، با هم بخشیدن هرچه زودتر به همه کشورهای ایران و عراق و حل مسالمت آمیز و صلح‌آمیز این درگیری می‌بینیم.

ما با امید و شادمانی فراوان به مبارزه با استبداد و رژیم مافوق مردمی خود را با همه‌ای ما و دیگر کشورهای مترقی کشورتان ابراز داریم و آرزو کنیم که مناسبات برادرانه میان "حزب سوسیالیست متحد برلین غربی" و "حزب توده ایران" در آینده نیز صلح بیشتر برپایه مارکسیسم - لنینیسم و مترنمایونالیسم پرولتری گسترش یابد.

بی‌شما را در تحکیم و تقویت مبارزه‌تان در راه منافع حیاتی مردم ایران و غلبه بر مسأله بین‌المللی دوران ما خواهیم دید.

برافراشته باد پرچم همبستگی بین‌المللی! پاینده باد صلح جهانی! با درودهای سوسیالیستی، رهبری "حزب سوسیالیست متحد برلین غربی" بقیه در ص ۸

در چهل و پنجمین سالگرد بنیانگذاری حزب، باز هم می‌گوئیم: اتحاد!

این روزها، اعضا و همکاران در استان حزب ما، جشن چهل و پنجمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران را برگزار می‌کنند. ۴۵ سال پیش با تأسیس حزب توده ایران، صفحه‌ای نوین در تاریخ مبارزات سیاسی کشور گشوده شد. حزب ما نخستین سازمان سیاسی منسجم، متشکل و پوی در منطقه مشخص و منطبق با شرایط آن دوران بوده و توانست نقش برجسته‌ای در مبارزه علیه فاشیسم، استعمار و نواستعمار ایفا کند.

حزب ما که با استقبال بی‌سابقه زحمتکشان و روشنفکران و دانشمندان علمی و فرهنگی توانست در فاصله ۴۵ سالگی جوانان مبارز و جوانان را در استانهای بزرگ، میانه‌اندازان، گیلان، تهران، اصفهان، آبادان، اهواز، مشهد، تبریز، همدان و... بنیاد نهاد. افزون بر این، حزب ما سازمانهای جنبی ویژه‌ای برای کارگران، معلمان، زنان، جوانان و دانشجویان تأسیس کرد که همگی در تقویت تربیت و ارتقاء آگاهی سیاسی آنها داشتند.

در آن ایام انواع احزاب دیگر نیز اعلام حیات کردند که امروز کوچکترین نام و نشانی از آنها باقی نمانده است. همه اینها به اصطلاح احزاب سیاسی در خدمت ارتجاع و انترپالیسیا که از "بالا" تشکیل شده بودند، از هم پاشیدند، و آنچه که ماندگار ماند، استواری پایدار ماند، حزب توده ایران است. زیرا حزب ما ریشه در میان مردم دارد و منعکس کننده آرمان توده‌های محروم است. سربقای حزب، علیرغم ضربات زده‌به‌آن، در پیوندش با توده‌های زحمتکش است.

در عصر معاصر ایران با تاریخ حزب توده ایران گره خورده است. توده‌های ایران با این چهره کریم و امیرالبنیان سربکردگی امپریالیسم آمریکا، سازمان دادن مبارزه علیه آنها نقش تعیین کننده‌ای در جامعه ایفا کرده‌اند.

بقیه در ص ۸

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران * * *

حزب ما در این دوره، پرتلاطم نه تنها امر مبارزه با فاشیسم را از راه تشکیل جبهه ضد فاشیستی با موفقیت به انجام رساند، بلکه تواضع در مبارزه با ارتجاع ریشه دار ایران، و حامی خارجی آن، استعمار کهنه کار انگلیس، ابتکار عمل را در دست گیرد.

یکی از برجسته ترین افتخارات حزب ما در سرآغاز فعالیت های انقلابی، افشای ماهیت نواستعماری امپریالیسم آمریکا و سازمان دادن جنبش ضد استعماری مردم ایران علیه آن است. این امپریالیسم، که با شعار دروغین دمکراسی وارد صحنه فعالیت بین المللی شده بود، می کوشید مواضع آسیب دیده استعمار انگلیس را در میهن ما تسخیر کند. زدودن سریع آثار تبلیغات چرکین و مسموم کننده فاشیستی از افکار و آذهان عمومی و اعتلای روحیه ضد فاشیستی و ضد استعماری در میان توده های مردم، از دستاوردهای بزرگ حزب در این دوره تاریخی است.

در این مقطع، حزب ما با رهبری مبارزه اعتصابی کارگران نفت جنوب سهم شایسته ای در شکل گیری رستاخیز مردم ایران علیه شرکت فاصب نفت ایران و انگلیس داشته است.

حزب در مبارزه بخاطر بازگشت ناپدید کردن دوران استبداد رضاخانی که خواست عمیق توده های مردم بود، از همه امکانات موجود در مبارزه با عمال ارتجاع و امپریالیسم سود جست. پیدایش "جبهه آزادی" تشکیل "جبهه" مو تلف احزاب آزادیخواه و "جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری" از تلاش های بزرگ حزب ما در راه تضمین آزادی های دمکراتیک است.

فعالیت مستمر و دامنه دار حزب در راه بنیان نهادن سندیکاها و اتحادیه های مستقل کارگری یکی از صفحات درخشان جنبش کارگری ایران را تشکیل می دهد. اعضای حزب در شکل و سازماندهی کارگران در کارخانه ها و کارگاه ها سهم برجسته ای داشته اند. تشکیل "شورای متحده" کارگران و زحمتکشان و سپس "شورای مو تلفه" مرکزی ایران از برجسته ترین ابتکارات در شکل صنفی - سیاسی طبقه کارگر ایران است. این مراکز مهم کارگری در مدتی کوتاه صدها هزار کارگر را در سراسر کشور در صفوف خود متشکل کردند. نظیم و تصویب اولین قانون کار و قانون بیمه کارگران نتیجه تاثیر مبارزات پیگیر حزب ما در دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان ایران است.

بدین سان، حزب توده ایران با بسیج کارگران و دیگر زحمتکشان و سازمان دادن مبارزه جوانان آنان شایستگی و فرزانگی خود را به مثابه گردان پیشاهنگ طبقه کارگر به اثبات رساند.

حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی کشور است که برای اصلاحات ارضی مترقی از طریق مصادره زمین های فئودالها و زمینداران بزرگ و تقسیم آنها بین دهقانان بی زمین و کم زمین با جدیت مبارزه کرده است.

حزب در افشاندن پدر آگاهی در میان دهقانان و آشنا کردن آنان به حقوق مدنی و اجتماعی و کمک به روستائیان در ایجاد اتحادیه های دهقانی از هیچ تلاشی فروگذار نکرده است. شعار "زمین از

آن کسی است، که روی آن کار می کند" همواره در محور تبلیغات حزب قرار داشته است. برنامه های مصوب کنگره های حزب و سپس اسناد پلنوم های آن طی چهل و پنج سال گذشته مشحون از طرح خواستهای عادلانه زحمتکشان روستاست.

حزب توده ایران در دفاع پیگیر از حقوق خلقهای ساکن کشور و اجرای سیاست ملی لینی حق خلقها در تعیین سرنوشت خویش با تلاشی خستگی ناپذیر مبارزه کرده است. پشتیبانی بی نزلت از جنبش دمکراتیک خلقهای آذربایجان و کردستان، که خواستار تامین حقوق ملی خویش در چارچوب ایران آزاد و دمکراتیک بوده و هستند، مظهر سیاست روشن و تاریخی حزب ما در مسئله ملی است.

ژنان کشور اعم از کارگر، روشنفکر و خانه دار، حزب ما را سزگر راستین دفاع از حقوق خود می شناسند. حزب بنا به ماهیت انقلابی خود در راه رهایی ژنان از تبعیضها و مقام اجتماعی جدید فراوانی بخرج داده است. حزب "طرح حق انتخاب کردن و انتخاب شدن ژنان" را به چهاردهمین دوره مجلس شورای ملی عرضه کرد و برای تامین حقوق پایمال شده آنان به سازماندهی جنبش ژنان در سراسر کشور پرداخت و "تشکیلات دمکراتیک ژنان" و انتشار مجله "جهان ژنان" و بسیاری دیگر از اقدامات تبلیغی نمونه ای از ابتکار و فعالیت درخشان حزب در بسیج ژنان زحمتکش میهن ماست.

جوانان کشور در فعالیت چهل و پنج ساله حزب جای نمایانی دارند. پرورش جوانان با روح میهن پرستی، مردم دوستی، عدالتخواهی و وفاداری به سنن انقلابی، از ویژگی های فعالیت حزب در تربیت نسل جوان کشور است. حزب ما جوانان پرشور بی شماری را در دامان خود پرورش داده است که بخاطر نجات زحمتکشان و رستگاری میهن از بدل جان دریغ نکرده اند. کوشش در راه شکل جوانان در کارگاه ها، کارخانه ها، مزارع، مدارس و دانشگاهها، نمونه زنده ای از فعالیت حزب توده ای ماست. تبلیغ خواست جوانان و مبارزه در راه اجرای آن هدف همیشگی حزب را تشکیل می دهد. سازمان جوانان توده ایران در شکل جوانان نقش برجسته ای داشته است.

بسیج روشنفکران، که قشر گسترده ای را در جامعه تشکیل می دهند، همواره در مرکز توجه حزب قرار داشته است. حزب با جذب روشنفکران انقلابی در صفوف خود، از این نیروی مستعد اجتماعی در راه نوزائی فرهنگی و مبارزه با یاس، بدبینی و تسلیم طلبی، که مخلوق سلطه ارتجاع است، سود جسته است. گردآئی زنده ترین دانشمندان، شاعران و هنرمندان کشور در صفوف حزب توده ایران، تاثیر بسیار مهمی در کارآئی این روند برچای گذاشت.

حزب توده ایران در اشاعه تئوری انقلابی مارکسیسم - لنینیسم، به مثابه جهان بینی جهانشمول طبقه کارگر، همه توان خود را به کار گرفت.

حزب ما یگانه حزبی است که در انتشار و ترویج مارکسیسم - لنینیسم در میان زحمتکشان، کاربرد مارکسیسم - لنینیسم برای درک درست دوران تاریخی، مبارزات طبقاتی و تحول اوضاع سیاسی - اجتماعی کشور و جهان و نبرد با انواع جریانهای ضد مارکسیستی و ضد لنینی و دفاع از پاکیزگی تئوری انقلابی، گامهای بی همتائی

برداشت. ترجمه و انتشار مهمترین آثار مارکسیستی یکی از بزرگترین خدمات حزب در تبلیغ جهان بینی عامی طبقه کارگر در میهن ماست.

حزب توده ایران مکتب پرشورترین میهن پرستان انقلابی است. میهن پرستی از دیدگاه حزب ما دفاع از منافع مردم زحمتکش، ثروت ملی، فرهنگ غنی و تاریخ انقلابی کشور است. حزب ما طی چهل و پنج سال فعالیت پرچوش و خروش خود در راه دفاع از منافع زحمتکشان و آزادی و استقلال کشور قربانیان فراوانی داد.

اعدام جنایتکارانه روزبه ها، سیامک ها، میشری ها، ابراهیمی ها، افضلی ها، جهادها، کیتاها و محقق ها توسط جلادان رژیم شاه و ج.ا. نمونه هائی از جاننازی بی باکانه و نمونه وار توده ای ها در راه میهن و محرومان است.

در جنگ ایران و عراق نیز بسیاری از اعضا و هواداران حزب در دفع تجاوز دشمن جان خود را از دست داده اند.

حزب توده ایران بنا به سرشت کارگری و انقلابی نه تنها میهن پرستی آتشین، بلکه انترناسیونالیستی پیگیر است. حزب ما در مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم هیچگاه دفاع از منافع زحمتکشان و انقلابی های رهایی بخش جهان را از نظر دور نداشته است. پیوند برادرانه با سوسیالیسم جهانی، نهضت بین المللی کارگری و جنبشهای آزادیبخش از ویژگی های خدشه ناپذیر حزب ماست.

درست بخاطر همین ویژگی های نازدودنی است که ارتجاع و امپریالیسم از هیچ توطئه ننگینی علیه حزب ما فروگذار نکرده اند. سازمان دادن شبه کودتای ۱۵ بهمن و سپس کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد که در جریان آن هزاران توده ای در خیابانها مجروح، کشته و یا به سیاهچالهای شاه کشانده شدند، همه بخاطر کنار گذاشتن حزب از صحنه سیاسی کشور بوده است.

علاوه بر این، توطئه سرکوب حزب طبقه کارگر هیچگاه محدود به زندان، شکنجه و اعدام نبوده است. پس از هر ناخت و تاز عایه حزب و ازدکائی که از ضعف روحی و تشمت فکری به سراشیب ارتداد درغلنیده اند، با انبانی از تهمت و افترا سر به مخالف خوانی بر می دارند، تا کار ناتمام گزیمکان حکومتی را به فرجام رسانند.

حزب توده ایران، یگانه حزب سیاسی است، که در انبوه حوادث آشفته و سردرگم راه درست مبارزه را باز شناخته و با تطبیق خلاق تئوری عام مارکسیسم - لنینیسم در شرایط مشخص کشور مرحله انقلاب و نیروهای محرکه آن را در نترهای بیست و پنج سالگی حزب در سال ۱۳۴۵ فرمولبندی و سپس آن را تکمیل و در برنامه مصوبه پلنوم پانزدهم خود در سال ۱۳۵۴ منعکس کرد.

دیری نپائید که این پیش بینی علمی حزب به وقوع پیوست و انقلاب ملی و دمکراتیک از گرد راه رسید.

حزب ما برای دفاع از منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و نیز برای تحقق شعار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، از همه نیروهای انقلابی و دمکراتیک دعوت کرد که بر اساس برنامه عمل مشترک در جبهه متحد خلق گرد هم آیند. این فراخوان قانونمند و سرنوشت ساز

میلیون ها زحمتکش ایرانی از رژیم رویگردان شده و خواهان سرنگونی آن هستند.

در حال حاضر بیگانه مانع در برابر سرنگونی رژیم و استقرار حکومتی خلقی در کشور، عدم اتحاد و تشکل توده های مردم است.

حزب توده* ایران با توجه به موقعیت حساس کنونی کشور همه* نیروهای انقلابی و دمکراتیک را به تشکیل جبهه* متحد خلق فراخواند.

کمیته* مرکزی حزب توده* ایران به مناسبت

چهل و پنجمین سالگرد بنیانگذاری حزب پار دیگر همه* نیروهای انقلابی و دمکراتیک را مخاطب قرار داده و از آنها می خواهد تا با کنار گذاشتن پیشداوریها و تکیه بر نقاط مشترک جبهه* واحدی بوجود آورند، که میلیونها نفر از پدران، برادران، خواهران و فرزندان اسیر ما را برای پایان دادن به حیات منحوس و نکبت پار رژیمی که حال و آینده* میهن ما را در معرض افلاس و ناپودی قرار داده متحد و متشکل سازد.

ما بارها گفته ایم و باز تکرار می کنیم که برای نجات کشور از چنگ و ویرانی و استبداد راه دیگری جز اتحاد همه* نیروهای انقلابی و دمکراتیک وجود ندارد. تجربه بارها نشان داده است که هیچ یک از احزاب و سازمانها به تنهایی قادر به ناپدید کردن رژیم مستبد نیستند و این از ویژگیهای ساختاری جامعه* ماست که بدون توجه به آن هیچ گرهی گشوده نمی شود. قدرت ما در اتحاد ماست. کوشش در راه اتحاد و وظیفه* پر مسئولیت تاریخی است که در برابر هر یک از سازمانهای انقلابی و دمکراتیک قرار دارد و هر یک از آنها در برابر خلق پاسخگو هستند.

کمیته* مرکزی حزب توده* ایران چهل و پنجمین سالگرد حزب را به تمام اعضا* و هواداران و به طبقه* کارگر و زحمتکش کشور صمیمانه تبریک می گوید و پیروزی همه* آنها را در مبارزه* دشوار برای پایان دادن به چنگ هستی سوز و سرنگونی رژیم ضد ملی ج. ا. آرزو مند است.

ما توده ای ها تردید نداریم که پیروزی نهائی از آن طبقه* کارگر و دیگر زحمتکش خواهد بود. این حکم تاریخ است و هیچ نیروئی قادر نیست چرخ پیشرونده* تاریخ را از حرکت بازدارد.

فرخنده باد چهل و پنجمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده* ایران، حزب طراز نوین طبقه* کارگر ایران!

چاوید باد خاطره* تانهاک شهیدان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح!

درد بر زندانیان توده ای و دیگر مبارزان انقلابی در بند!

زنده باد جبهه* متحد خلق!

پیروز باد مبارزه خاق در راه سرنگونی ج. ا.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

مهر ۱۳۶۵



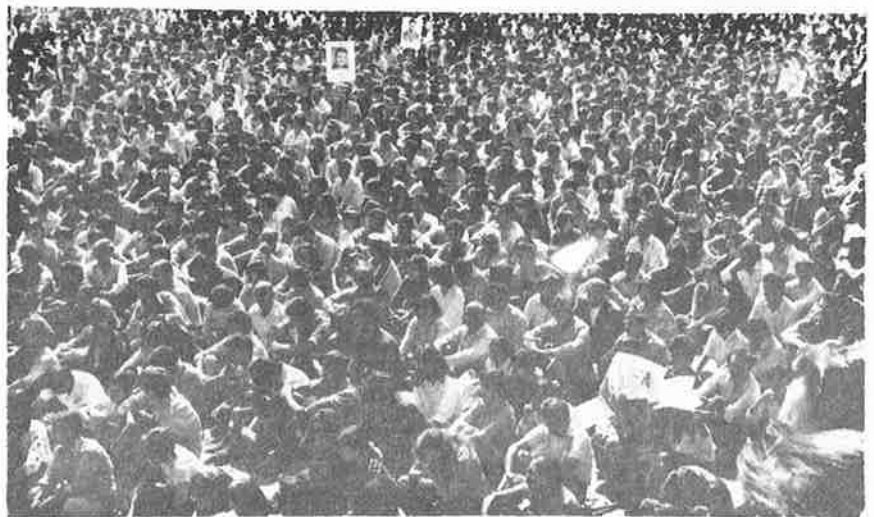
درد بر زندانیان توده ای و دیگر مبارزان انقلابی در بند!

تهلیغات زهر آکین دشمنان حزب، به آینده* روشن و ظفر نمون چشم دوخته اند. این سنت دیرپائی است که توده ای ها در حساس ترین لحظات تاریخی آن را در وجدان بیدار و آگاه خود زنده نگه داشته اند.

حزب توده* ایران در شرایطی چهل و پنجمین سالگرد تاسیس خود را بر گزار می کند که میهن ما به زندان واقعی کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران میهن دوست و انقلابی بدل شده است.

امروز شکنجه گاههای رژیم انباشته از فرزندان وفادار خلق است. هزاران توده ای در سراسر کشور در غل و زنجیر رژیم استبدادی و ضد انسانی "ولایت فقیه" اسیرند. بخش مهمی از آنها بر اثر سو تغذیه، بیماری، عوارض پوستی و شرایط نامساعد زیستی در کنار دیگر زندانیان مبارز و انقلابی رنج و عذاب می کشند. توده ای ها مجموعاً با ۵۰ هزار سال زندان در دو رژیم شاه و خمینی بالاترین رقم محکومیت را داشته اند.

چهل و پنجمین سال حضور فعال و کارساز حزب در صحنه* مبارزه گواه بر آن است که شکنجه گاههای



ایران هیچگاه از زندانیان توده ای خالی نبوده است. این واقعیت سند زنده ای از رژیم ضد ملی حزب ما در دفاع بیگنیر از منافع زحمتکش است.

در حالیکه هم اکنون سراسر میهن بخون تپیده* ما در آتش سرکوب و اختناق و پیداد گریهای رژیم می سوزد، چنگ خانمانسوز و استقلال شکن وارد هفتمین سالگرد فاجعه آمیز خود شده است.

رژیم که جز ناامنی، گرسنگی، بیکاری، اخراجهای دسته جمعی، بی مسکنی، آوارگی، فقر و فلاکت ارمغان دیگری برای توده های محروم جامعه ندارد، گروه گروه کارگر، دهقان، دانش آموز، دانشجو، معلم و کارمند مستاصل راه اچهار و فریب به جبهه های بی بازگشت چنگ گسیل می دارد.

تعطیل شمار زیادی از کارگاهها و کارخانه ها بر اثر کاهش فاحش درآمد ارزی، نفت، کشور رادر آستانه* ورشکستگی کامل و وابستگی اسارتبار به امپریالیسم قرار داده است.

بر اثر تشدید فقر و نابسامانی و اختناق

پذیرفته نشد و انقلاب سیر دردناک و نامطمئنی را در پیش گرفت.

مبارزه* حزب توده* ایران پس از انقلاب در شرایط بسیار بفرنج ادامه یافت. سیاست حزب علیرغم فراز و نشیب ها در کلیت خود متوجه تحقق آمچهای مردمی انقلاب بهمین ۵۷ بود.

در این مرحله سران مرتجع ج. ا. که از نفوذ و اعتبار روزافزون حزب توده* ایران سخت به وحشت افتاده بودند، به قصد خارج کردن حزب از صحنه* سیاسی کشور بورش ددمنشانه ای را علیه آن سازمان دادند و رهبری حزب و بیش از ده هزار تن اعضا* و هواداران آن را روانه* سیاهچالها کردند.

اما محاسبه* ارتجاع و امپریالیسم برای ناپدید کردن حزب درست از آب در نیامد. حزب علیرغم ضربات سنگین و هولناک دشمن توانست با سرعت بی سابقه ای ارگانهای تشکیلاتی و تهلیغاتی خود را احیا کند و در فاصله زمانی کوتاه با تشکیل پلنوم های ۱۸ و ۱۹ و برگزاری کنفرانس ملی حزب، که ۲۸ سال پس از کنگره* دوم بزرگترین رویداد در حیات سیاسی آن بشمار می رود، توطئه* شوم متلاشی

کردن حزب را به ناکامی کشاند. این پیروزی در وهله* نخست مرهون استقامت و از جان گذشتگی توده ای ها در زندانها، داخل کشور و بیرون از مرزهای آن است.

کنفرانس ملی حزب توده* ایران، که خط مشی سیاسی حزب را در مرحله* کنونی تصویب کرد، و ظایف بس سنگین و دشواری را بر عهده* همه* اعضا* و هواداران حزب در داخل و خارج کشور گذاشته است. کنفرانس تاکید کرد که انجام این وظایف خطیر در وهله* نخست منوط به تأمین انسجام هر چه بیشتر وحدت درونی حزب است و مراعات انضباط آگاهانه و آهنین درون حزب، کامیابی آن را تضمین می کند.

اکثریت قاطع اعضا* و هواداران حزب در داخل و خارج کشور با استقبال و پشتیبانی گرم از تصمیمات و اسناد کنفرانس که مظهر وحدت اراده و عمل حزب است، نشان دادند که در وای

براه توده هارفتن، براه توده هامردن

راه را بر نوربست و عشق را در وجود آدمیان کشت؟ هنوز صدای ارانی در سلولهای شکنجه و مرگ به خاموشی نگراشیده بود که با دست توانمند سوسیالیسم بنای چپنی فاشیسم آغاز به فرو ریختن کرد و در دامان میهن انقلابی ما فرزندی چشم به زندگی گشود که چکیده "نبرد خونین نسل اندر نسل" ستمشان بود. دبیری نیاید که به یمن وجود این فرزند، این ذهن پیدار توده‌ها، شط‌نیشان کنی که غلامان حلقه پگوش فاشیسم و امپریالیسم می‌خواستند راهش را بپندند، سرتاسر خاک میهن را درنوردید. شعله‌های سرکش پیکار طبقاتی فروزاتر شد و در سرزمین ما سپاه پیروزمند کار به رهبری حزب توده‌ای خویش، پنجه در پنجه "کوتوالان" استثمار و استعمار و نواستعمار درافکند. راهبان این نبرد قله‌های بلندی را پشت سر نهادند و تاریخ پیکار آشتی‌ناپذیر با دشمنان طبقاتی خویش را، در میدانهای تیرباران و سلولهای نمرورناریک شکنجه و تعزیر، با خون خود رقم زده‌اند. اما هنوز تا فتح آخرین قله‌های مه‌آلود و سهمگین، راهی دراز در پیش است. چه بسیار از رزم آوران که برای رسیدن

اینک، در پی نهاد چهل و پنجمین سال نبرد، سر فرود می‌آوریم در برابر رنج عظیم انسانی-و آنان که پی‌ستون بنای خونین و مه‌گرفته تاریخ تلاش و پیکار در میهنمان بودند. اینک سر فرود می‌آوریم در برابر آنان که آغاز کردند و آنان که پی گرفتند و آنان که دنبال می‌کنند راه نبرد برای فرو ریختن کاخ ستم، راه مزدک، راه پاپک، راه ستار و راه حیدر را. آنان که از تبار خلق زحمتکش بودند و چو پالاندگی میهن و سرافرازی خلق و پایان دادن به رنج محرومان آماچی در فرا روی خود نمی‌شناختند. هم از اینرو، دل و جان در گرو این راه پرپیچ و خم و پر هول و هراس نهادند و به رغم همه رنجها و شوربختی‌ها و به رغم اتهامهای دشمن پرداخته که همواره به آنها زده شد و بهاز هم زده می‌شود و خواهد شد، در خدمتگزاری به توده‌ها صادق بودند و خاق این راه به نیکی دریافته بود، چرا که فرزندانش را خوب می‌شناخت.

تاریخ حزب توده ایران، به‌مثابه ادامه دهنده راه مترقی‌ترین و انقلابی‌ترین مبارزان جنبش راهی بخش میهنمان، پانام سوسیال دموکراتها و پس از آن با نام حیدرخان عموآغلی‌ها و غفارزاده‌ها پیوند دارد که حزب کمونیست ایران را بنیاد نهادند. ارانی و یارانش، این پیشاهنگان جنبش نوین کمونیستی میهنمان، رشته پیوندی بودند میان دو نسل از کمونیست‌ها، که در شرایط تقویت فاشیسم در عرصه بین‌المللی (در ایتالیا، آلمان و اسپانیا) و خودکامکی رضاخان قلد، غلام حلقه پگوش فاشیسم و امپریالیسم در عرصه داخلی میهن، توانستند مرکز فعلیتی را در کشور برپا کنند که نطفه پالنده حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران را در بطن خود پرورد.



رفیق شهید دکتر تقی ارانی
آمورگار زحمتکشان ایران

به صلح و آزادی و سوسیالیسم، این بهشت زمینی زحمتکشان، باید دروازه‌های خون را در پی‌نهند، چنانکه بسیاریان این راه را پیموده‌اند. به‌گذار فقه عشق به آرمانهای انقلابی و انگیزه‌های عبور از گل‌رگه خون را از زبان فرزندان رنج و کار و سازندگان نامدار و گمنام تاریخ نبرد حزب بشنویم. تاریخی که همزاد وهم‌سرشت و بازنمای مهارزه خلق زحمتکش میهنمان در دوران نوین جنبش انقلابی است.

رفیق علی اکبر اسکندانی که با چغنی از هم‌زمانش در نبرد مسلحانه با مزدوران شاه به شهادت رسید، در جریان محاکمه یکی از افسران، انگیزه رویارویی خود با رژیم شاه را، چنین برشمرده "در این کشور هشتاد درصد مردم رادحقانان تشکیل می‌دهند. مالک آنها را غارت می‌کند، پس از غارت مالک، زاندارم به عنوان تحقیقات به محل رهسپار می‌شود و در مقابل "حق‌القدم" و "حق الزحمه" آخرین پشقاب را از کلبه محقر دهقان می‌برد... هشتاد و یک درصد بودجه کشور به وسیله مالیاتهای غیر مستقیم از زارعین و کارگران گرفته می‌شود و به مصرف اسلحه می‌رسد تا اینکه پتان همین مردم را در قید اسارت نگاه داشت...". وی گفت: "ملت ما کاخ نشینان نیستند. توده‌های زجر کشیده هستند، توده‌های غارت شده هستند...".

رفیق فریدون ابراهیمی، دادستان کل آذربایجان در دوره حاکمیت نیروهای انقلابی و



رفیق حیدرخان عموآغلی، سردار انقلاب
مشروطیت و رهبر حزب کمونیست ایران

تاریخ حزب توده ایران، تاریخ پیکار خستگی‌ناپذیر با قانون ستم و سرمایه، با الهام از پیشاهنگانی چنان ارانی است که در پیدادگاه رضا خان با شهادت بی‌ظنری که پشت ستگران حاکم را لرزاند، فریاد برآورد: "فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع توده‌ها باشد". و حزب توده ایران، در عرصه جهانی، چرتی از آن "سظم مقدس و روشنی است که به دریای تکامل می‌ریزد". ارانی گفت: "به‌گذار تا در این سظم مقدس از قطراتی باشیم که به دریای ریزند، نه از آنهایی که در لجن کناره آلوده و گندیده می‌شوند". آری، ارانی گفت و هزاران مرد و زن پیدار و عاشق به سرزمین خود، حرفش را به جان و دل خریدند و راهش را در پیش گرفتند. خائنان به میهن، این نردگان زر گفتمند، راه را بر این شط‌خروشان پربندیم، چرا که دودمانان را پرهاد خواهد داد. اما مگر می‌توان

در پیدادگاه رژیم شاه گفت:

"آینده از آن کسانی است که عرق ریزان کار می‌کنند، کسانی که دستهایشان از شدت کار پینه بسته است. این دستهای پینه‌بسته درهای تمام زندانها و شکنجه‌گاهها را خواهند گشود و تمام چلادان و ستکاران را نابود خواهند کرد. روزی خواهد رسید که تمامی کسانی که خلقهای ایران را از حقوق خود محروم نموده، فرهنگ و افتخارات ملی آنها را الگدمال کرده‌اند و برای پر کردن چیبها و کبسه‌های خود از طلا انسانهای زحمتکش را تحت استثمار قرار داده‌اند، مجبور به چوابگوئی به جنایات و خیانت‌های خود در مقابل خلق خواهند شد."



رفیق شهید فریدون ابراهیمی
دادستان حکومت ملی آذربایجان

رفیق فریدون ابراهیمی هنگام مرگ کت و شلوار مشکی نوی، را که برای شرکت در کنفرانس صلح آماده ساخته بود، به تن کرده، پیراهن سفیدی پوشید و کراوات سرخ رنگش را به گردن زد و سپس به میدان اعدام گام نهاد. وی گفت: "ماتمام زندگی خود را با پاکی و شرافت گذرانده‌ام، چرا باید زیر چوبه دار با حالتی پریشان ظاهر شوم؟"

رفیق محمد امین آزادوطن هنگام مرگ به دژخیمان گفت: "خوشحالم که شرافتمندانه در راه آرمانم که چیزی نیست جز آزادی، و سعادت برای همه خلقهای تحت ستم می‌میرم". وی در پاسخ به کسانی که می‌خواستند از راه رفته پشیمانان کنند فریاد برآورد: "چه می‌گوئید بی‌شرفها! شاخه‌های بیدرامی توان خم کرد، اما چنار کهنسال می‌شکند و خم نمی‌شود". رفیق آزاد وطن در سال ۱۳۲۴ به شهادت رسید.

هنگامی که رفیق قلی صبحی نوری یکی از سازماندهندگان ارتش مای و فدائیان آذربایجان را به دار آویختند، طناب دار پاره شد. وی برخاست و فریاد زد: "رژیمتان هم مانند این طناب پوسیده است. مرا با طناب محکمتری به دار آویزید تا رسوا شیتان را کمتر باز گویم".

سرهنگ غلامرضا چاویدان را که برای اعدام می‌بردند، به دژخیمان نهیب زد: "امروز شما صدای مرا خاموش می‌کنید. اما در هر گوشه جهان صدای مردمی که در راه آزادی خود مهارزه می‌کنند پیوسته رسا تر می‌شود. شما هرگز قادر به خاموش کردن این صدای رعد آسان نخواهید بود."

رفیق داداش تقی‌زاده به چلادان خود گفت: "من فرزند خلق آذربایجان هستم و در راه آزادی وطن خود با گناده‌روئی به طرف مرگ می‌روم. به‌گذار کسی گمان نبرد که با مرگ من و رفقایم آزادی خفه خواهد شد. هیچ شکی نیست محاکمه‌کنندگان و اعدام‌کنندگان ما در برابر محکمه تاریخ چوابگو خواهند بود."

جنبش خلق آذربایجان که در آذر ۱۳۲۴ به پیروزی رسید و یک سال بعد به خون کشیده شد، پیش از ۲۰ هزار نفر شهید داشت. از آن پس تا مرحله کودتای ننگین شاه - آمریکا در ۲۸ مرداد ۱۳۲۲، تاریخ حزب ما را توماری از نامهای صدها

نمی توانستم دزدی و بی ناموسی و هزاران جنایات دیگر انجام بدهم تا تو و فرزندانتم بخورید و عیش کنید. تو و فرزندانتم مثل سایر مردم رنج دیده قربانی می شوید... پاکدامنی و صداقت و خدمت بود که شما را تهیدست نمود. چنین است پاداش هیئت حاکمه به درستی و راستی."

رفیق هوشنگ وزیربان در لحظه مرگ که به حوضه اعدام فرمان داد: "چشمان مرا نهندید. می خواهم در دم مرگ لرزش دستهای دشمن را ببینم."

رفیق مرتضی کیوان شاعر رزمنده توده ای در زندان سرود:

"درد و رنج تازیانه چند روزی بیش نیست

رازدار خلق اگر باشی همیشه زنده ای."

وی هنگامی که خود را برای رفتن به میدان تیر آماده می کرده به همزنجیران خود گفت: "در بیرون خورهائی هست. لایحه نفت باید به تصویب برسد. این لایحه قربانی هائی دارد. من هیچ از مرگ قریب الوقوع خود متانسف نیستم. زندگی مادربرابر آزادی و استقلال میهن عزیز ما هیچ ارزشی ندارد."



رفیق شهید هوشنگ تیزابی
پیشاهنگ نسل نوتوده ای

به رفیق شهید سرگرد جعفر وکیلی از گروه سوم سازمان نظامی حزب پیشنهاد کردند که از شاه تقاضای بخشش کند. وی پاسخ داد: "من چنان رادر راه میهن خود فدا می کنم. چطور ممکن است از شاه که او را خائن به میهن گرامی ام می دانم تقاضای عفو کنم؟"

رفیق حسین مرزوان در آخرین شب زندگی به دیوار فرسوده زندان نوشت: "امشب آخرین شب زندگی من است. قلبم را امتحان کردم. آرام است. امیدوارم همه زندانیان سیاسی مانند من باشند."

رفیق منوچهر مختاری به یکی از همزمانش نوشت: "... تردید ندارم که خلق فهردان در پیشاپیش آن طبقه کارگر ما فاشیسم را زنده بگور خواهد کرد و بر روی لاشه آن بنای زندگی شاد و آسوده خود را برخواهد افراشت. با مرگ من فقط وظایف من است که پایان می پذیرد. پیروز و موفق باشید."

رفیق گالوست زاخاریانس (زاخار) مترجم زمان "چگونه فولاد آبدیده شد" در غروب یک روز تاپستان سال ۱۳۳۴ به دام خفاشان رژیم شاه افتاد و از همان لحظه دستگیری شکنجه اش آغاز شد. سحرگاه روز بعد سرهنگ زبیهایی با چشمان گرد و لهیده از پایا درافتاد و مایوس از شکنجه گاه بیرون آمد. وی با رنگ پریده گفت: "مرد و حتی نامش را هم شکست."

رفیق شهید آرسن آوانسیان در آستانه مرگ به دادستان گفت: "من کارگری هستم که جز دو بازوی خود سرمایه ای نداشتم و اکنون سعادتمندم که با همین سرمایه شرافتمندانه در راه مردم به گور می روم."

رفیق خسرو روزبه فهردان ملی ایران و عضو

ایران به استقبال مرگ هولناکی رفت که انتظارش را می کشید. منته برقی سر بیلوانی اش را که در مقابل زور خم نشده بود سوراخ کرد، اما اراده نیرومند او را نتوانست بشکند.



رفیق شهید سرهنگ عزت الله سیامک از
بنیانگذاران سازمان افسری حزب توده ایران

رفیق سرهنگ عزت الله سیامک که از یاران ارانی بود و سالیان درازی را به مبارزه مخفی با رژیم رضاخان و پسرش گذرانده بود، هنگامی که همراه با اولین گروه افسران سازمان نظامی حزب توده ایران در بنیادگاه نظامی شاه محاکمه می شد، در رد اتهام "جاسوسی برای بیگانگان"، گفت: "این را شما درست می گوئید آقای دادستان. من خیانتکارم. در هر روز صبح گزارش کار اداره سرشته داری رابه یک مامور بیگانه می دادم. پله، درست است. اما برخلاف تصور شما این مامور روسی نبود، او یک مستشار و جاسوس آمریکائی بود که من به دستور اربابان شما مجبور بودم هر روز گزارش کارها رابه او بدهم."

رفیق سیامک، روز پیش از اعدام بستگان خود را چنین دلداری داد: "آدم وقتی قرار است بمیرد، چرا خوب و پاشکوه نمیرد؟ ما رفتیم، شما زنده باشید و خوب زندگی کنید." رفیق سیامک در سحرگاه ۲۷ مهر ۱۳۳۲، پیش از آنکه گلوله ها قلب عاشقش را بشکافد، رو به دژخیمان خود گفت: "اگر بهشتی در دنیا وجود داشته باشد، راه همان است که ما می خواهیم طی کنیم." وی با شعار زنده باد حزب و مرگ پرتشاه به استقبال گلوله ها رفت.



رفیق شهید پرویز حکمت جو
عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفیق محمد علی مهشری در آستانه مرگ خطاب به همسرش نوشت: "من جز سعادت و خوشبختی ملت عزیز ایران هیچ سود و آرزویی در سر نداشتم و در این راه کشته می شوم. این مرگ، مرگ شرافتمندانه است."

رفیق نظام الدین مدنی، سروان شهرپانی پیش از اعدام به همسرش نوشت: "میل دارم بچه های عزیزم پس از این که بزرگ شدند بدانند پدرشان شرافتمند بود و شرافتمند از دنیا رفت. مردی وطن پرست بود و هیچ به وطن خود خیانت نکرد."

رفیق سروان محمد علی واعظ قائمی در نامه ای به همسرش نوشت: "مرا به جرم حقیقت و پاکدامنی و بیگناه به قتل می رسانند. تو می دانی که من چیزی اندوخته نکردم تا تو و فرزندانت بتوانید زندگی کنید. من نمی توانستم جز این بکنم. من

نفر توده ای رقم می زند که با افشاندن خون پاک خود بر سنگ فرش مبارزه، راه راهبر زحمتکش هموار می ساختند و تاریخ خونبار حزب و میهن خود را می نگاشتند.

رفیق نوروزعلی غنچه که در بهمن ۱۳۲۷ در بنیادگاه نظامی به ۱۰ سال زندان محکوم شد و در مهر ۱۳۳۰ در اثر شکنجه چنان سپرده در آخرین دفاع خود خطاب به رئیس "دادگاه" گفت: "آقای سرتیپ یاستی، دادگاه شما من و رفقایم را با بی عدالتی محاکمه و محکوم می کند و به زندان می افکند. ولی روزی خواهد رسید که ما شما را با عدالت محاکمه (خواهیم کرد) و کیفر شایسته ای خواهیم داد. همین ما و شما شمشیر است که فضاوت می کند."

در چهارم مرداد ۲۲، هنگامی که کارگران نفت مسجد سلیمان مورد یورش مسلحانه دژخیمان شاه قرار گرفتند، رفیق بهار ادرک پرچم سرخ کارگری را کشود و به همزمانش فرمان داد: "کارگران به پیش!". صفوف فشرده کارگران به حرکت درآمد. دژخیمان آتش گشودند و پیش از همه چند گلوله به پیکر فهردانی رفیق بهار فرود آمد. وی با تن خونین، همچنان استوار و سرفراز پراه خود ادامه داد و سرانجام به خاک درافتاد. در حالی که سرخی رنگ پرچمش با خون او دو چندان شده بود.

پنج روز پس از کودتای ۲۸ مرداد، رفقا، نای وظیفه هوشنگ انوشه، مهناوی دوم خیری و نای وظیفه کهرپار با چهره خندان به استقبال مرگ رفتند. رفیق انوشه با چشمان باز مرگ را پذیرا شد. در حالی که روح بزرگ و مقاوم او دشمنان را از پای درمی آورد.

رفیق غلامرضا پیوکی، عضو سازمان چوانان حزب که در بهمن ۱۳۳۲ به شهادت رسید، در نامه ای خطاب به مادرش نوشت: "من داوطلبانه و از صمیم قلب برای مرگ حاضر شدم. چه مرگی برافراختار و شرافتمندانه تر از این برای من که در راه حفظ استقلال ملی و وطنم جان دهم. من می میرم ولی زیر پارتنگ اسارت و ظلم نخواهم رفت."



رفیق شهید خسرو روزبه
فهرمان ملی ایران

پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، هزاران نفر از توده ای ها در گوشه و کنار کشور به زندان افکنده شدند، گروهی از زنده ترین مبارزان توده ای تیرباران شدند، گروهی زیر شکنجه کشته شدند و با در اثر شبخونهای ناچوانمردانه دشمن چنان سپردند، رفیق وارطان سالخانیان پس از تحمل شش روز شکنجه دائمی، هنگامی که شنید رفیق کوچک شوشتری دوست همزمانش از افشای اسرار تشکیلاتی سهپاز زده و سرانجام فهردان چنان سپرده است، به شکنجه گران خود گفت: "خیالم راحت شد. من می دانم و نمی گویم. هر کاز که می خواهید بکنید." شکنجه رفیق وارطان روزها بطول انجامید. سرانجام دژخیمان منته برقی را آوردند و گفتند: این شانس آخر است، حرف بزن! وارطان گفت: نه، و با فریاد زنده باد ایران، زنده باد حزب توده

یافتند، یادی از این حقیر هوادار کنند". وی خطاب به برادر کوچکش نوشت: "مارفتیم، شماره ما را ادامه دهید". هنگامی که پیکر خونین رفیق زهرا حامد مقدم را قتی را که بر اثر تصادف چان سیرده بود به پزشکی قانونی بردند، به زحمت توانستند دست چپ او را که مشت شده بود باز کنند. در مشت بسته و خونین او تحلیل هفتگی حزب توده، ایران فرار داشت. در تیر (۶)، رفیق هانصر زبیر شکنجه چان سیرده. وی با سرسختی از حزش دفاع کرد. درست به همین دلیل سخت ترین شکنجه‌ها در حق او اعمال شد. روزی که پس از دستگیری هما مأموران برای جستجو و جمع آوری مدرک به خانه‌اش ریختند مادرش پرسید: «ما را کی آزاد می‌کنید؟ آنها گفتند: زمانی که با ما همکاری کند. مادر پوزخندی زد و گفت: اگر هما دختر من است که همکاری نمی‌کند...



رفیق شهید ناخدا بهرام افزالی
فرمانده نیروی دریایی ایران

هنگامی که جنگ ایران و عراق خصلت عادلانه داشت، بسیاری از جوانان توده‌ای در پاسخ به فراخوان حزب خود راهی جبهه‌ها شدند و دهانفر از آنها در پیشاپیش صفوف مدافعان میهن چان سیردند و به خیل شهیدان توده‌ای پیوستند. وصیت نامه‌های بچمانده از این رفقا، هر کدام یاد آور ایمان شگرفشان به حزب طراز نوبین طبقه کارگر ایران است. رفیق عبدالرسول مروج تربیتی نوشت: "امیدوارم توده‌ای بودن راه حزیم را که همیشه در کنار توده‌ها است عملاً اثبات (کرده) و لایق این نام باشم و توانسته باشم این چراغ حقیقت را فروزاتر کرده باشم".

رفیق داود عسگری نوشت: "بنا به دستور حزیم در این جنگ که بوسیله رژیم صدام و به رهبری آمریکای جهانخوار به کشور انقلابی‌مان تحمیل شده است، بدون هیچ واهمه‌ای شرکت کردم تا همه بدانند که حزب توده، ایران مدافع استقلال و آزادی ایران، هم در تئوری و هم در عمل است". رفیق حمیدرضا ابرانی نوشت: "امیدوارم با هدیه خون خویش شریک راه حزب و انقلاب باشم و نام در زمره شهدای حزب توده، ایران قرار گیرد".

پس از بیروهای وحشیانه رژیم ج.ا. به حزب، بخش مهمی از کادر رهبری و هزاران تن از اعضا و هواداران حزب دستگیر و روانه سلولهای تعزیر و شکنجه شدند. گروهی از جاننازترین و فداکارترین فرزندان خلق در برابر جوخه تیرباران قرار گرفتند و با زیر شلاق و داغ و درفش چان سیردند.

رفیق ناخدا یکم بهرام افزالی فرمانده نیروی دریایی و از فرمانان جنگ، در بیدادگاه جمهوری اسلامی در دفاع از راه خود گفت: "در رژیم گذشته با پوست و گوشت و استخوان خود فساد، ظلم و محرومیت رادر جامعه ایران احسان کرده بودم. برای خودم چنین تحلیل می‌کردم که برای فائق آمدن بر مشکلات و برای اینکه جامعه به

حکمت جو با دژخیمان ادامه یافت. دژخیمان شاه - ساواک می‌خواستند او را از اوج اسطوره‌ای زندگی سراسر خشم و خروش فرود آورند، اما او به اوچه‌ای بلندتری دست یافت. رفیق حکمت جو از قهرمانان نامی خلق و حزب توده، ایران است.

رفیق هوشنگ تیزیابی از پیشاهنگان نسل نو مهارزان توده‌ای است که در دهه چهل راه حزب را هرگزید و رزم جانانه خود را بر ضد خصم طبقاتی زحمتکش آغاز کرد. او معتقد بود که زندگی خود مبارزه‌ای طولانی است و مرزی بین زندگی و مبارزه وجود ندارد. او گفت: "من از نفرت شروع کردم و به ایمان رسیدم. نفرت از حزب توده میراث پدرم بود، اما ایمان نه این حزب، نبرد و شهادت و سوسیالیسم راه خودم یافتیم. کینه‌ام کور بود، اما ایمانم چراغ در دست داشت. هیچ دستی بالاتر از دست حقیقت نیست".

کلام رسای او درباره حزب راهگشای بسیاری از توده‌ایها شد که هم اکنون در زیر شکنجه پسر می‌برند و از آرمانهای حزبی و انقلابی خود پایبرداره دفاع می‌کنند:

"کلاه گشادی سر ما گذاشته بودند. به ما تزریق کرده بودند که حزب توده یک دکان سیاسی است. یک دکان سیاسی که با شاه انگشت کوچک استالین بچود آمده. سر گذاشت چند تا رهبر عاجز و زبون و یک مشت سیاهی لشکر بی‌هو و خاصیت را به جای شناسنامه تمام عیار یک حزب کبیر، حزب شهدا و قهرمانها به ما قالب کرده بودند. پیشرفها چه تردستند! ما از این منظره احساس تهوع می‌کردیم، اما وقتی خودمان را از دست روسیات رهاندیم، روزبه و سیامک و وارطان و شوستری و آرس را یافتیم، میشری و وکیلی و محققزاده و هزاران قهرمان گمنام را کشف کردیم. میراث جاودانی از تعالیم مارکسیسم - لنینیسم را که با تار و پود میهن ما آمیخته و هزاران هزار آتش زیر خاکستر بیجا گذاشته، باز یافتیم و در چهره حزب چهره قهرمان خلقهای خود را شناختیم. هر برگ از این شناسنامه انقلابی، هر عضو از این سیاه بی‌شمار شهدا و قهرمانان و آرش‌های زنده و بیدار، برای اثبات فعالیت یک حزب رزمجو کافی بودند. آنگاه از قضاوت خود شرمسار شدیم..."

امروز در میان شهدای حزب، به زنجیره پلندی از نامها بر می‌خوریم که همه چون تیزیابی از "نفرت" و ناآگاهی آغاز کردند و هنگامی که گرد و خاک تبلیغات دشمن نشست پا شناخت حزب به عشق رسیدند و در این معبر جان باختند. تورج حیدری بیگوندها، رحیم محمد علی زاده‌ها، ابراهیم مفتاح‌ها، سعید شیخ زاده‌ها، علی مطلب زاده‌ها، محمد جانجانیان‌ها و دیگرانی از این دست در گرما گرم نبرد با دشمن طبقاتی، راه حزب، گردان پیشاهنگ زحمتکش را پرگزیدند و تا لحظه مرگ در برابر خصم سینه سپر کردند. از میان این قهرمانان، رفیق حجت‌الله فریسی معتقد بود که "با حزب توده، ایران، تاریخ و سرگذشت شگرفی مدهوش است. چیزی مرموز و پر جاذبه، چیزی به تهرک روزبه و سیامک و وارطان در سطر سطر تاریخ این حزب موج می‌زند. چیزی شبیه موج و طوفان".

پس از پیروزی انقلاب پرشکوه بهمن ۵۷، انتظار می‌رفت که قافله مرگ نیروهای مترقی و انقلابی و از جمله توده‌ایها از حرکت باز ایستد. اما پس از درنگی کوتاه، این قافله به راه خود ادامه داد. دیکر بدست جنایتکار ارتجاع از آستین پدر آمد و قلب توده‌ایها را نشانه گرفت. رفقا آذرنوش مهدویان و حسین شیبانی به "جرم" عضویت در حزب توده، ایران تیرباران شدند، در حالی که در لحظه اعدام، با ایمان به آرمانهای توده‌ای خود سرود حزب را می‌خواندند. در آذر ۱۳۵۸، رفیق کارگرمان علی برندگام به ضرب گلوله از پا درآمد. در مهر ماه ۱۳۶۰ رفیق گیتا علیشاهی در برابر جوخه تیرباران قرار گرفت. گیتا در وصیت نامه خود نوشت: "تنها وصیت من این است که هر گاه نشانی از حزب عزیزم که تنها دلخوشی من در زندگی بود دیدند و وقتی انقلاب را شگوفانتر

کمیته مرکزی حزب توده، ایران در دفاع تاریخی از حزب خود در بیدادگاه رژیم منفور شاه پرده از تلاش رژیم برای به بیراهه کشاندنش برداشت و گفت: "مرا بر سر دوراهی قرار داده‌اند، اما هرگز قدمی به این لجنزار کثیف نژدیک نخواهم شد". "من به عقاید پایبندم. نظرات سیاسی ام را مقدس می‌شمارم. نه عهد و سوگند خود وفادارم و به امضائی که در زیر آنکت حزب توده، ایران کردم احترام می‌گذارم و هرگز به خاطر جلب منفعت یا دفع خطر بیمان خود رانمی‌شکنم".

قهرمان ملی ایران در آخرین دفاع خود در دادگاه تجدیدنظر ایمان به حزش را با کلماتی پرشور چنین بیان داشت: "من به اقتضای آتشی که بخاطر خدمت به خلقهای ایران در درون سینه‌ام شعله می‌کند، راه حزب توده، ایران را پرگزیده‌ام و باید اذعان کنم که جانم، استخوانم، گوشتم، پوستم و همه، تار و پود وجودم این راه را راه مقدسی شناخته است و تمام سلولهای بدن من و تمام ذرات وجودم توده‌ای است".

"حزب ما حزب استعمارشکن و مدافع استقلال و تمامیت ارضی کشور است. مقاصد اجتماعی حزب ما همه از منبع بشردوستی و احترام و انسانیت و خدمت به مردم آن می‌خورد. ما می‌خواهیم برای همیشه استعمار انسان از انسان که مادر همه مقاصد اجتماعی است خاتمه بدهیم".

۲۱ اردیبهشت ۱۳۲۷، روز اجرای حکم تیرباران سروان خسرو روزبه بود که به رغم اعتراض نیروهای مترقی سرتاسر جهان به رژیم منفور شاه، باید اجرا می‌شد. رفیق روزبه را به میدان تیر بردند. او با کمک عصا راه می‌رفت. هنگامی که می‌خواستند چشمهایش را ببندند، مانع شد. او گفت: من از مرگ نمی‌ترسم. و در همان حال چشم در

چشم جلادان خود: آزموه، بختیار، مهصر، زیبایی و امجدی دوخت. خائنان سرپرزیر افکندند. سرهنگ بازنشسته محمد خبیری که شاهد اعدام رفیق روزبه بود لحظه تیرباران را چنین وصف کرده است: "به سربازان جوخه اعدام سلام کرد و اظهار داشت من می‌دانم که شما مقصر نیستید. شما سربازان به منظور انجام وظیفه و همان اطاعت کورکورانه در اینجا گرد آمده اید تا وطن پرستی مثل مرا تیرباران کنید. پر شما خرده نباید گرفت. او سپس با صدای رسا گفت: جوخه گوش به فرمان من! سرهنگ جاوید خواست این صدا را محو کند، ولی نتوانست. روزبه فریاد کشید:

مرگ پر شاه!

زنده باد حزب توده، ایران!

سپس دژخیمان شلیک کردند".

گلوله‌هایی که بر سینه شهید خلق خسرو روزبه گل داده، او را جاودانه کرد. روزبه مردی بود که فسانه شد.

علی اصغر اکبری چمارانی، رفیق کارگر توده‌ای که در سالهای پایان دهه چهل دستگیر شد، یک چشمش را در زیر شکنجه از دست داد و چند دنده‌اش شکست. تمام بدنش نقش آتشی سیگار جلادان را بخاود داشت. وقتی که در ۱۱ فروردین ۱۳۵۰ او را در مقابل جوخه تیرباران قرار دادند، خواستند که چشم سالمش را ببندند. او با غرشی تندر آس فریاد برآورد: "نمی‌خواهم ببندید... می‌خواهم با همین یک چشم بازمانده ببینم گلوله‌هایی که قلب مرا هدف قرار می‌دهند مارک آمریکائی دارند یا انگلیسی؟"

رفیق پرویز حکمت‌چو، افسر خلیان و عضو کمیته مرکزی حزب توده، ایران، یکی دیگر از نخبه قهرمانان توده‌ای و اسطوره شهادت و استواری است. وی پس از مهاجرت به خارج از کشور، در سال ۱۳۴۳ همراه با رفیق علی خاوری برای تجدید سازمان حزب به میهن بازگشت. رفقا پس از چندی دستگیر و در بیدادگاه رژیم شاه به اعدام محکوم شدند. اما فشار افکار عمومی دنیا و مبارزه پیگیر حزب در داخل و خارج از کشور موجب شد که حکم اعدام با یک درجه تخفیف به حبس ابد تبدیل شود. از آن پس تا ۲۴ خرداد ۱۳۵۲ نبرد بی‌امان رفیق



رفیق شهید حسن حسین پور تبریزی
از فعالین جنبش کارگری ایران

رفیق شهید رضا شلتوکی عضو هیئت سیاسی، که مجموعاً ۲۸ سال از زندگی در سپاه‌ها گذشت سبلی از یک انسان نستوه بود که همه هستی خود را در گرو دستیابی به آرمانهای طبقه کارگر نهاد. وی معتقد بود که "باید بیشتر به فکر آینده و حفظ انقلاب بود. باید سازمان یافته‌تر و با صفوف فشرده‌تر به مقابله با دشمن هرویم. باید پیاموریم، سازمان بدهیم و انقلاب را به پیش ببریم. راه طولانی و درازی در پیش است."



رفیق شهید همانصر رنجانی
شهادت در شکنجه گاه ج. ا.

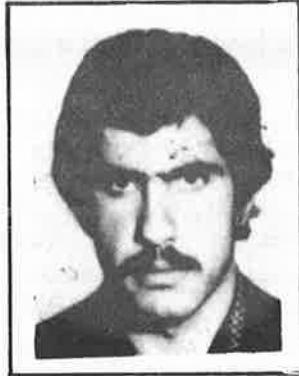
بگذار با کلام ساده و دلنشین رفیق تقی کی منش، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران که پیش از زنی از زندگی خود را در شکنجه گاه‌های دو رژیم چنانیکار و ددمنش سپری کرد، به این مقال خاتمه دهیم. در حالی که می دانیم و اطمینان داریم که در ادامه راه مبارزه فرازها و فرودهای دیگری در پیش خواهیم داشت و ای پسا جانبازان فداکار توده‌ای که در این گرگ و میش تاریخ راه حیدرها، ارانی‌ها، روزیه‌ها و کی منش‌ها را تا سرمنزل پیروزی نهائی و رهائی زحمتکشان میهنمان ادامه خواهند داد:

"بزرگترین افتخارم این است که سرباز ساده حزب توده ایران هستم و آرزویم هست توده‌ای بپریم و حزب توده ایران یعنی حزب طبقه کارگر ایران پیروز و موفق گردد."

یاد همه پیویندگان جان باخته و در پند راه سوسیالیسم، شهیدان و زندانیان توده‌ای را در آستانه چهل و پنجمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر میهنمان گرامی می‌داریم.

خوشبخت هستم. از نبودن من ناراحت نه‌اش...

رفیق فرزاد جهاد نوشت: "اگر خون برای آبهاری انقلاب باشد بگذار پریزید و اگر برای عقب نشینی در برابر نیروهای راست باشد این جمهوری بر زمین نخواهد ماند". وی تاکید کرد: "این را بدانید که باز اگر زنده می‌ماندم در راه مردم قدم می‌گذاشتم."



رفیق شهید عظیم محقق
پاسدار انقلاب

رفیق عظیم محقق از پاسداران قهرمان انقلاب و عضو سازمان نظامی حزب توده ایران بود که با بیان این جملات شجاعانه به استقبال مرگ رفت: "من اشتباه نکردم. راهم درست بوده. آگاهانه آن را انتخاب کردم و به آن ایمان دارم. از ابتدا چنین پیش آمدی را پیش بینی می‌کردم و نتیجه هر چه باشد پرایم نوش جان است."

رفیق صالح امیر افشار معتقد بود: "آینده با تمام شکوه و عظمت خود به ما تعلق دارد. مطلقاً و بدون کمترین تردید، اگرچه با رنجهای گران، پیروزمندان به آینده دست خواهیم یافت. پس زنده باد آینده و پیش به سوی آینده!"

تکیه کلام رفیق غلامحسین (شاپور) قناعتی که در آذر ۶۲ زیر شکنجه به شهادت رسید این بود: "گر مردی میان خون پایدار رفت"

رفیق حسین قدمگاهی معتقد بود: "کار مبارز توده‌ای پیکار خستگی‌ناپذیر با دشواریها و ناسازگاریها و کشودن راه به آینده است."

رفیق اسدالله ریاحی پس از دستگیری در یورش دوم، در سالی که سکوت مرگبار در آن حاکم بود و رفتاری دستگیر شده با چشمهای بسته و پتوهای بر سر کشیده در انتظار سرنوشت نامعلوم خود بودند، فریاد برداشت: "بچه‌ها مقاومت کنید و مسائل تشکیلاتی خودتان را حفظ کنید. ما بخاطر دفاع از حقوق مردم به اینجا آمده‌ایم. عمل متهورانه او سکوت مرگبار زندان را شکست و در رفتاری توده‌ای مهندسخ روح پایداری بیشتر دمید."

رفیق کارگر حسن حسین پور تبریزی، که در جریان یورش ۱۷ بهمن (۶) دستگیر شد ماهها زیر شکنجه بود و وقتی که در آخرین ساعاتی زندگی پیکر دردمندش را به بیمارستان دکتر شریعتی رساندند تا آخرین نفس از جانش گفتمت و سرودخوانان جان سپرد. او در جریان انقلاب همواره به کارگران می‌گفت: "دوستان کارگرا ما برای این انقلاب زیاد خون دادیم و زندان کشیدیم. از انقلاب پاسداری کنیم. پاسازشکاران و ضد انقلاب مبارزه کنیم. موفقیت از آن ماست."

در جریان حمله رژیم جمهوری اسلامی به حزب، تاکنون چهار تن از اعضا کمیته مرکزی: رفقا علوی، فرزلی، شلتوکی و کی منش زیر شکنجه جان باخته‌اند.

طرف یک تعادل، به طرف یک قسطی پیش برود، لزوم یک حزب چپ... که انکیزه‌های خدمت اجتماعی یکسان برای افراد جامعه را داشته باشد، برای مملکت ما ضروری است، تا با مطرح کردن شعارهای مردمی و با اعلام نقطه ضعفها (و با ارائه راه حلها خدمتانی را بتواند به جامعه انجام دهد."

رفیق عطاریان که در بیرون راندن دشمن مهاجم از خاک میهن نقش برجسته ای ایفا کرده بود، در بیداد گاه جمهوری اسلامی اتهامهای وارده وارد کرد و گفت: "من جاسوسی و اقدام علیه امنیت کشور و براندازی را قبول نداشته ولی فعالیت و عضویت در شبکه مخفی را قبول دارم. زیرا اگر کسی هدف براندازی داشته باشد بخاطر این است به چیزی و مقامی برسد و در جهت تضعیف انقلاب عمل می‌نماید. ولی من از تاریخ ۵ اسفند ۵۷ که در جمهوری اسلامی مسئولیت پذیرفتم تا روز دستگیری برای حفظ نظام چنگیده‌ام."

روزی ری شهری (وزیر اطلاعات ج. ا.) خطاب به رفیق سرهنگ بیژن کبیری گفت: "چرا شما همیشه توطئه‌های غرب را افشا می‌کنید؟ من می‌ترسم روزی شما رایبه اتهام جاسوسی برای شوری محاکمه کنم". رفیق کبیری پاسخ دندان شکنی به او داد: "اگر چنین اتفاقی بیافتد حتماً بدانید که محاکمه کننده من عامل با جاده صاف کن آمریکا است." پس از دستگیری، یکی از موارد اتهام او این بود که در زندان برای تشکیلات حزب کار می‌کند. ساعتی پیش از آنکه رفیق کبیری را همراه با ۹ تن از یارانش برای تبریران بپرند وی در وصیت نامه خود برای همسرش نوشت: "من برای همیشه می‌روم، ولی می‌خواهم بدانی که من نه جاسوس بودم و نه..." (متن وصیت نامه در اینجا پشت خط خورده بود).

رفیق سرهنگ آذر فر در بیداد گاه ج. ا. به دفاع از خود پرداخت و گفت: "من از یک خانواده مستضعف هستم و به افراد مستضعف واقعا عشق می‌ورزیدم و الان هم عشق می‌ورزم و این نیز باعث تشنجاتی در محل کار من در سراسر مراحل خدمتی ام بود..."



رفیق شهید فرزاد جهاد
از مسئولین سازمان نوید

رفیق ابوالفضل بهرامی نژاد در وصیت نامه خود نقاب از چهره دشمنان مردم برداشت: "بدانید که من خیانت نکردم و روی آرمانهایم ایستادم. این راتاریخ نشان خواهد داد و نقاب از چهره دشمنان بر خواهد گرفت."

رفیق شاهرخ جهانگیری در آستانه تبریران خطاب به همسرش نوشت: "می‌دانی که کار سختی داشتم و آن تلاش در راه رهائی زحمتکشان بوده است و تا به آخر به این راه وفادار بودم و هستم. من اکنون با نفر دیگر شاد و خندان و آوازخوان به طرف شهادت در راه آزادی می‌روم. تو بدان که من"

جاوید باد خاطره تابناک شهیدان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح!

در چهل و پنجمین سالگرد بنیانگذاری حزب،

با هم می گوئیم: اتحاد

بقیه از ص ۱
حزب ما راه و رسم میهن دوستی راه جوانان ایران نشان داد. توده ایهایی که در مقابل جوخه های اعدام با خروش "زنده باد ایران" مرگ را با آغوش باز و چهره خندان استقبال می کردند، به مقابله مظاهر میهن دوستی و مقاومت در جامعه استبداد زده ما، مشهورند.

توده ایها نسلی از مبارزان انقلابی را با روحیه انترناسیونالیسم پرولتری تربیت کردند که تاثیر مهمی در سرنوشت میهن ما داشته و خواهد داشت.

توده ایها با اشاعه اندیشه جهانشمول مارکسیسم - لنینیسم و سوسیالیسم علمی، یگانه راه نجات از فقر و فلاکت و بدبختی را به توده های زحمتکش نشان دادند. این نقش برجسته حزب تنها به مرزهای ایران محدود نشد و به اعتراف چندی از احزاب برادرانه کشورهای در زیر بیوغ امپریالیسم - پیویزه در سطح منطقه نیز گسترش یافت.

حزب توده ایران یگانه سازمان سیاسی در میهن ما است که از بدو تأسیس، ضرورت تشکیل جبهه واحدی از نیروهای مترقی و دمکراتیک را برای مقابله با ارتجاع و امپریالیسم مطرح و در راه آن مبارزه کرده است. امروز نیز در این راه می رزمیم. زیرا، چنانکه بارها خاطر نشان کرده ایم، بدون تشکیل چنین جبهه ای پیروزی بر دشمن مشترک امکان پذیر نیست. کنفرانس ملی حزب توده ایران آگاهانه برای این مسئله حیاتی اهمیت ویژه ای قائل شد. تکیه روی تسکیم هسته های حزبی و توسعه هر چه بیشتر آنها و کار در میان کارگران، پیویزه پرولتاریای صنعتی که مورد توجه کنفرانس ملی است، در پیوند مستقیم با این مسئله حیاتی است.

یورش وحشیانه رژیم قرون وسطائی ج.ا. به حزب توده ایران و دیگر سازمانهای چپ انقلابی، در پراکندگی مبارزه کارگران، که نقش تعیین کننده ای در انقلاب بهمن ۵۷ داشتند، تأثیر منفی داشت. امروزه، تفرقه در میان نیروهای چپ به تعیین این روند یاری می کند و از قدرت تعرضی لبقه کارگر می کاهد.

ارتجاع و امپریالیسم در ایجاد تفرقه در میان نیروهای انقلابی، مترقی و دمکراتیک ذینفع هستند و از آن برای تحقق هدفهای ضد خلقی خود بهره می گیرند. به هیچ وجه تصادفی نیست که درست در آستانه چهل و پنجمین سالگرد حزب، ارگانهای تبلیغاتی رژیم و از آنجمله روزنامه های "کیهان" و "اطلاعات" به "پیرونده سازی" علیه حزب توده ای ما پرداخته اند. جالب است که رسانه های گروهی رژیم ج.ا. در تبلیغ ضد کمونیستی و ضد توده ای با رادیکال های عمال ایرانی امپریالیسم آمریکا هم آواز هستند و در این زمینه از هر وسیله ای استفاده می کنند. ایجاد نفاق میان دو سازمان رزمنده و انقلابی - حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - هسته مرکزی تبلیغات سو رژیم ضد خلقی ج.ا. و عمال

امپریالیسم را تشکیل می دهد. اما آنها کور خوانده اند. هیچ نیروئی نخواهد توانست میان این دو سازمان برادرتفرقه ایجاد کند. هم کنفرانس ملی حزب توده ایران و هم پلنوم وسیع سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) طی قطعنامه های ویژه ای اهمیت وحدت همه نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی را بر مبنای وحدت همه جانبه حزب و سازمان بار دیگر تأکید کردند و این پاسخ دندان شکنی است به همه آتانی که علیه همبستگی و اتحاد نیروهای چپ انقلابی توطئه می چینند.

تغییرات کیفی که طی هفت سال پس از انقلاب بهمن ۵۷ در جامعه ما بوجود آمده، ضرورت تکیه بر سیاست اتحاد نیروهای انقلابی مترقی را در دستور روز قرار داده است. این سیاست باید پاسخگوی شرایط کنونی، پاسخگوی مبارزه روزمره و وظایف دراز مدت نیروهای انقلابی، مترقی و دمکراتیک باشد و به گفته لنین امکان آن را فراهم آورد تا بتوان دید پا چه کسی می توان به عرصه نبرد گام گذاشت، چه کسی متفق صدیق است و دشمن واقعی کجاست.

برنامه جدید ما که در آستانه چهل و پنجمین سالگرد بنیاد گذاری حزب توده ایران به تصویب کنفرانس ملی رسید، گردآوری ارتش سیاسی انقلاب را برای تسریع در ایجاد عامل ذهنی، به مقابله یکی از وظایف اساسی تعیین کرده است. این عامل ذهنی در شرایط کنونی عبارت است از جبهه متحد خلق با برنامه مشترک.

ما برنامه چنین جبهه ای را با در نظر گرفتن شرایط عینی لحظه تاریخی کنونی و در انطباق با رسالت تاریخی طبقه کارگر ارائه داشته ایم. حزب ما شرکت فعال طبقه کارگر و حزب واحد پیشاهنگ آن را در انقلاب ملی و دمکراتیک، شرط ضرورتی برای تحقق اهداف و رساندن آن به هدف نهائی می داند. زیرا ما معتقدیم که پرولتاریا در صورتی می تواند در این انقلاب نقش رهبری را ایفا کند که به شکل نیروی سیاسی واحد و مستقلی زیر پرچم حزب واحد خود، گرد آید.

ما در تنظیم خط مشی سیاسی حزب در شرایط کنونی، این تذکر لنین را مد نظر قرار داده ایم که "وظایف سیاسی را باید در شرایط مشخص مطرح کرد. همه چیز نسبی است، همه چیز گذرنده است، همه چیز متغیر است".

علیرغم مشکلات موجود، ما توده ایها به نبرد در راه تشکیل جبهه متحد خلق که کارگران و دهقانان تهیدست هسته مرکزی آن را تشکیل دهند، ادامه خواهیم داد. زیرا اعتقاد راسخ داریم که تنها چنین اتحادی ضامن پیروزی است.



احزاب برادرانه حزب توده ایران ***

پیام حزب کمونیست بریتانیای کبیر:

حزب توده ایران نابودی ناپذیر است

رفقای عزیز،

بمناسبت چهل و پنجمین سالگرد پایه گذاری حزب توده ایران درودهای گرم و برادرانه حزب کمونیست بریتانیای کبیر را تقدیم می داریم.

در همه این سال ها، حزب شما در شرایطی پس دشوار به مبارزه مشغول و هدف سرکوبگری های خشن بوده، ولی هیچگاه از دفاع از منافع زحمتکشان ایران باز نایستاده است.

چه بسا کسانی، که نابودی حزب توده ایران را پیشگوئی کردند و بعدها به ادعای نادرستی آن وادار شدند.

حزب شما در سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه و کسب دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی فوریه ۱۹۷۹ سهمی بسزا داشت. توده ای ها چندی است، که باردیگر هدف بربرمنشانه ترین شکنجه ها و ستمگری ها قرار گرفته اند. بسیاری از زنان و مردان توده ای در میدان تیر جان خود را باخته اند.

ما از این سالگرد بهره می گیریم و ضمن یادآوری پیوندهای دیرینه میان دو حزب به شما اطمینان می دهیم، که در پیکار دشوارتان همواره از همبستگی ما برخوردار خواهید بود.

اکنون، پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق حیاتی ترین ضرورت است. این جنگ نه تنها مصیبتی برای مردم دو کشور است، بلکه به نیروهای ضد دمکراتیک و ارتجاعی ایران و عراق قوت قلب می بخشد و در میان نیروهای مترقی تخم نفاق می افکند.

کامیابی تان را در آینده آرزومندیم و همبستگی خویش را با شما ابراز می داریم.

با درودهای برادرانه،

جری پوکاک

شعبه بین المللی

کمک مالی به حزب توده ایران

یک وظیفه انقلابی است!

کمکهای مالی رسیده:

جوته از انگلستان ۲۰ پوند

بیاد رفیق هما نصر زنجانی از گوتنبرگ ۵۰ کرون

فاطمه از استکهلم یک گوشواره طلا

NAMEH
MARDOM
No; 122

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

2.October. 1986

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است